

متن پرسش

سلام علیکم: استاد! من سطح ۴ تفسیر را امسال شروع کردم اما با سیستم درسی حوزه که آشنایید فقه و اصول رو به هیچ وجه کنار نمی گذارند یعنی شما فکر کنید تخصصی تفسیر میخونی اما فقه و اصول واحداش از واحدای تفسیر بیشتره و اساتید هم هنوز آن نگاهی که به فقه و اصول داشتند را دارند (همان نگاهی که وقتی علامه رفت سراغ تفسیر قرآن گفتند خودشو ذبح کرده) و استادای این رشته عموماً فقه و اصول خوانده اند و حتی بعضی مواقع با تفاسیر آیت الله جوادی آملی آشنایی کافی ندارند، میخوم انصراف بدم و برم دانشگاه دکترامو بخونم ولی مرددم نمیدونم چه باید کرد؟ حافظ رو باز کردم این شعر اومد یعنی چی؟ اصلاً تفأل زدن به حافظ تو اینجور مواقع درستیه؟ شد آنکه اهل نظر بر کناره می رفتند / هزار گونه سخن در دهان و لب خاموش بیت پنجمش میگه: دلا دلالت خیرت کنم براه نجات / مکن بفسق مباهات و زهد هم نفروش // محل نور تجلی رأی انور شاه / چو قرب او طلبی در صفای نیت کوش. و بیت آخر: رموز مصلحت ملک خسروان دانند / گدای گوشه نشینی تو حافظا مخروش یعنی چی؟ استاد من از ابتدای ورود به حوزه نیتم آموختن مسائل دینی و عمل به آن و آموختن آن به دیگران است. نه برای اسم و رسم خودم برای اینکه خدمتی کرده باشم به اسلام.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره حضور در حوزه، حضور در صحنه‌ای است با وسعتی زیاد که به هیچ وجه نباید در عین در حوزه بودن، از فقه و اصول در آن غافل بود. با این وصف و در این بستر، به قرآن به صورت تخصصی رجوع کنید می‌ارزد که مدتی فقه و اصول نیز بخوانید، اگر می‌خواهید حوزوی باشید. موفق باشید.